



تبیین و بررسی تلقیح مصنوعی از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی

علی قنبریان^۱
مهشاد یعقوبی^۲

چکیده

تلقیح مصنوعی در برابر لقاح طبیعی است. تلقیح، ترکیب اسپرم مرد و تخمک زن، خواه زوج و خواه بیگانه، برای انعقاد و بارور نمودن نطفه با هر وسیله‌ای غیر از مقاربت است. این ترکیب یا در رحم صورت می‌پذیرد یا در خارج رحم. در انجام عمل لقاح مصنوعی باید از انجام مقدمات به‌صورتی که در شرع و عرف ممنوع اعلام شده مانند تماس نامحرم، اجتناب کرد. تلقیح از مسائل مستحدثه و نو می‌باشد که از دستاوردهای علم نوین پزشکی است و در زمان پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) به شکل کنونی مطرح نبوده است و لازم است پژوهش‌هایی صورت گرفته و اقسام مختلف آن از نظر فقهی و حقوقی بررسی شود. در مقاله حاضر تعریف و شرایط تلقیح مصنوعی بیان شده است و مستندات فقهی و حقوقی و پزشکی آن بررسی شده و احکام تکلیفی (وجوب، حرمت، استحباب، کراهت، اباحه) و وضعی (مانند ارث و نفقه) اقسام مختلف آن بیان شده است. گردآوری اطلاعات از طریق کتابخانه‌ای انجام شده است و به‌شیوه توصیفی تحلیلی پردازش صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: تلقیح مصنوعی، نطفه، تخمک، اسپرم، رحم جایگزین.

۱. پژوهشگر پسادکتری دانشگاه تهران Ghanbarian@alumni.ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، Mahshadyaghoubi76@gmail.com

مقدمه

امید به بقا و ادامه نسل برای انسان‌ها فطری است و در حقیقت یک نوع کمال محسوب می‌شود. امروزه پیشرفت‌های علمی سبب شده، تلقیح مصنوعی امکان‌پذیر باشد. تلقیح مصنوعی یعنی لقاح خارج از رحم، بدون آمیزش. تلقیح، از مسائل نوحاسته‌ای است که به اقتضای پیشرفت‌های علمی مطرح و انجام شده است. با پیشرفت پزشکی و امکان درمان ناباروری، مسائل پیچیده در حوزه‌های اخلاقی، حقوقی، اجتماعی، دینی مطرح شده که می‌بایست از طرف فقها، حقوقدانان و متخصصان علوم اجتماعی به آنها پاسخ داده شود تا زمینه مناسب برای وضع و تدوین قوانینی جامع فراهم شود. تلقیح مصنوعی، یکی از پدیده‌های شگفت‌دنیای مدرن است. با توجه به اینکه این بحث به طور خاص در زمره مباحث کتب فقهی متقدم مطرح نشده است، از مسائل مستحدثه بوده و می‌تواند منشأ ایجاد مسائل مختلف فقهی و حقوقی باشد. در آغاز، برخی از فقها قائل به ممنوعیت مطلق در تلقیح مصنوعی بوده، و حتی تلقیح نطفه زوج به زوجه شرعی و قانونی خود را محل تأمل و اشکال می‌دانستند اما هم‌اکنون صورت‌ها و نمونه‌های مختلف آن بررسی شده و حکم متناسب با هر یک بیان شده است. این نوشتار به ۲ بخش اصلی تقسیم شده است:

۱. تلقیح مصنوعی و انواع آن ۲. بررسی مستندات فقهی و حقوقی تلقیح مصنوعی.

در این دو بخش، اقسام مختلف تلقیح مصنوعی بیان شده و ادله فقهی و حقوقی متناسب با هر یک بیان شده است.

۱. تلقیح مصنوعی و انواع آن

۱.۱. تعریف لغوی و اصطلاحی

لقاح در لغت به معنای آبستن شدن و باردار شدن است (ابن منظور ۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۵۷۹ و ۳۰۷) و تلقیح به معنای آبستن کردن جنس مؤنث است. در فرهنگ‌های فارسی نیز مشابه همین معنا ذکر شده است: انتقال نطفه حیوان نر به ماده و به طور کلی بارور کردن و بارورسازی (انوری، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۱۸۷۶؛ عمید، ۱۳۳۲، ج ۲، ص ۱۷۲۰) درباره گیاهان و حیوانات نیز در بین اهل لغت، لقاح و تلقیح به همین منظور به کار رفته است (ابن منظور، ۴۱۶، ج ۱۲، ص ۳۰۷ و ۵۷۹).

در تعریف اصطلاحی، حقوقدانان تعاریفی از تلقیح مصنوعی ارائه کرده‌اند که در محتوا مشترک هستند. به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

الف) لقاح مصنوعی عبارت از قراردادن نطفه مرد در رحم زن است بدون آنکه بین آنان نزدیکی واقع شود. به این صورت که کسی به وسیله آلات مخصوص نطفه مردی را در رحم زنی قرار دهد (امامی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۱۵).

ب) زن را با وسایل مصنوعی و بدون اینکه نزدیکی صورت گیرد آبستن کنند و به تعبیر دیگر اسپر ماتوزوئید را با وسایل پزشکی وارد رحم زن کرده و از این راه او را باردار نمایند (صفائی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۹۹).

پ) داخل کردن منی مرد به وسیله آلات پزشکی یا هر وسیله دیگری غیر از مقاربت، در رحم زن. طفل حاصل از لقاح مصنوعی را جنین آزمایشگاهی می‌نامند (امامی، ۱۳۴۹، ص ۳۵۵)

همگی تعاریف مذکور در این مشترک‌اند که تلقیح مصنوعی عبارت است از آبستن نمودن زن بدون اینکه نزدیکی صورت گیرد؛ خواه منی را به وسیله آلات پزشکی در رحم زن قرار دهند یا به غیر از ابزار پزشکی.

۲.۱. انواع تلقیح مصنوعی

بالغ بر بیست صورت تلقیح مصنوعی وجود دارد. هرچند حکم شرعی هیچ کدام از این صورت‌ها در فقه نیامده، اما برخی از این صور بدون ایراد شرعی قابل اجرا هستند و برخی که محل اختلاف شدید است، ممنوع اعلام شده یا در آن احتیاط صورت گرفته مثل لقاح مصنوعی با اسپرم مرد بیگانه.

۱.۲.۱. تقسیم‌بندی اول

الف) تلقیح نطفه مرد به رحم همسرش

تلقیح مصنوعی زن با اسپرم شوهر از نظر فقهی جایز است. از نظر حقوق کنونی ایران نیز عمل صحیحی است و دارای آثار حقوقی می‌باشد. گروهی از فقها در به‌کارگیری این روش تردید دارند. به علت بیم از ارتکاب کارهای مقدماتی حرام. تلقیح نطفه مرد به همسرش، از زمره شبهه‌های بدوی تحریمی است. شبهه تحریمی به معنای شک راجع به جنس تکلیف و حالت سابقه مورد شک می‌باشد و دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد. بنابراین اصل برائت شرعی و عقلی در مورد آن جاری می‌شود؛ اگرچه ممکن است به‌خاطر مقدمات حرام مانند تماس با نامحرم حرام شود.

ب) تلقیح نطفه مرد به زن نامحرم (بدون آمیزش)

این قسم نیز، مانند قسم قبل، از شبهه‌های بدوی تحریمی بوده و در مورد آن نیز، برائت شرعی و عقلی جاری است. البته رعایت احتیاط موجب حفظ و تحصیل واقع می‌شود و بدون استناد آن به شارع در همه موارد نیکوست. در کتاب و سنت عموماتی است که برخی از آنها به‌گونه‌ای بر حرمت این قسم تلقیح دلالت دارد (حرم پناهی، ۱۳۸۰، ص ۸۵-۸۶).

۱.۲.۲. تقسیم‌بندی دوم

الف) لقاح درون رحمی (رحم طبیعی)

در این قسم به‌وسیله آلات پزشکی یا هر وسیله دیگری منی مرد، یا تخمک زن یا هر دو در رحم زن قرار داده می‌شود. در نتیجه لقاح این دو عنصر نطفه، در رحم منعقد می‌گردد.

ب) لقاح خارج از رحم (رحم مصنوعی)

در این قسم ترکیب نطفه و انعقاد آن در خارج از رحم صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر دو عنصر لازم برای انعقاد نطفه از مرد و زن گرفته می‌شود و با ابزار مخصوص در خارج از رحم، با یکدیگر ترکیب می‌شوند و در نتیجه نطفه به‌وجود می‌آید. در حال حاضر رایج‌ترین نوع تلقیح مصنوعی، تلقیح داخل رحمی یعنی استفاده از اسپرم پرداخته‌شده است (عباسی، ج ۲، ص ۴۸؛ رضایا معلم، ۱۳۸۴، ص ۲۸). یکی از این مسائل، رحم جایگزین است. جایگزینی رحم زمانی ضرورت می‌یابد که زوج همه عوامل دخیل در شکل‌گیری فرزند را داشته، ولی به‌دلیل فقدان رحم سالم و برخی عوامل دیگر، امکان داشتن فرزند وجود ندارد. برابر ضوابط شرعی و اصول کلی حقوقی، کودک آزمایشگاهی از حیث نسب تفاوتی با فرزند طبیعی ندارد و در فقه امامیه با تمسک بر قاعده حلیت شبهه، حرمت این عمل منتفی و بسیاری از فقها به جواز آن فتوا داده اند.

۱.۲.۳. تقسیم‌بندی سوم

نازایی و عقیم بودن نسبت به زوجین (زن و شوهر) ۳ حالت دارد: الف) نازایی زوجه ب) نازایی زوج پ) نازایی زوج و زوجه. در حالت اول، اهدای تخمک است و در حالت دوم، اهدای اسپرم است و در حالت سوم، اهدای جنین است.

الف) نازایی زوجه (اهدای تخمک)

این مورد زمانی است که نازایی و عقیم بودن از طرف زن است. خصیصه بارز و مشترک اهدای تخمک این است که حمل جنین توسط زن نابارور بوده و تولد طفل در خانواده‌ای است که خواستار بچه باشد. برای حصول اطمینان از وقوع باروری در تخمک اهداشده، از تکنیک‌های کمکی تولیدمثل که در آن، عمل تلقیح در خارج از رحم و محیط آزمایشگاه صورت می‌پذیرد، استفاده می‌شود. در این حالت تخمک اهداشده از زن دیگر (غیرزوجه) به‌وسیله اسپرم پدر حکمی (شوهر زوجه نابارور) بارور می‌گردد. سپس جنین به‌وجودآمده در رحم همسر مرد صاحب اسپرم (زوجه نابارور) فراکاشته می‌شود. زوجه نابارور در نتیجه عمل انتقال جنین،

باردار شده و در نهایت، بچه را به دنیا می آورد. در این حالت مادر حکمی که بچه را به دنیا آورده هیچ ارتباط ژنتیکی با بچه ندارد؛ در حالی که پدر حکمی از لحاظ ژنتیکی با بچه مرتبط است. ملاک اصلی در نسب پدری رابطه بیولوژیکی است.

ب) نازایی زوج (اهدای اسپرم)

این قسم زمانی است که زوج نابارور است و از اسپرم مردی اجنبی (غیرزوج) برای باروری زوجه استفاده می شود. ارتباط ژنتیکی بچه به دنیا آمده، فقط با زوجه برقرار است. در مورد لقاح اسپرم مرد در رحم همسرش شافعیه و علماء حنفیه قائل به اباحه هستند و آن را حلال می دانند و شافعیه احکام فقهی مختلفی را مثل وجوب عده در بعضی از صور ثبوت نسب، بر آن مترتب می کنند. (غانم، ۱۴۲۱ق، ص ۲۲۸) بسیاری از فقها و محدثان استفاده از طریق تلقیح مصنوعی را اعم از داخلی (وارد کردن اسپرم مرد در فرج زن) و خارجی (انجام عمل لقاح خارج از رحم زن و منتقل کردن نطفه در رحم زن تا محل تکوین جنین) با اشکال مختلف آن، در صورتی که منجر به علاج عقیم بودن زوجین شود مباح می دانند. به شرطی که احتیاطات لازم در رابطه با مقدمات آن مراعات شود و این عمل توسط مرد اجنبی انجام نشود مگر ضرورت اقتضا کند، که در این صورت کسانی که شایستگی مداخله در این امر را دارند به ترتیب اولویت زن پزشک مسلمان، زن پزشک غیر مسلمان، مرد پزشک مسلمان و مرد پزشک غیر مسلمان که در علم طبابت مورد اطمینان باشند، هستند (قانی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۳۲).

پ) نازایی زوج و زوجه (اهدای جنین)

در این حالت، جنین حاصل از امتزاج اسپرم اهدایی و تخمک اهدایی در رحم زوجه نابارور، فراگاشته می شود و وی در نتیجه انتقال جنین، باردار شده و در نهایت، بچه را به دنیا می آورد. در این حالت، والدین حکمی هیچ ارتباط ژنتیکی با بچه ندارند و فقط مادر حکمی، فرزند را به دنیا می آورد (نایب زاده، ۱۳۸۰، ص ۴۴۹-۴۵۰).

۲. بررسی مستندات فقهی و حقوقی تلقیح مصنوعی

۱.۲. چگونگی پاسخ گویی اسلام به مسائل نو و مستحدثه

همگام با پیشرفت جوامع بشری از لحاظ تکنولوژی و ظهور دستاوردهای نو در قلمرو علوم تجربی، مسائل و موضوعات پیچیده و نوین فقهی و حقوقی پدیدار شده است. مسائل مستحدثه و نو، راه حل های مناسب خویش را می طلبد. مداخله شخص ثالث در تولید مثل مصنوعی انسان که در سایه پیشرفت های عظیم علمی و با بهره گیری از اسپرم و تخمک، امکان پذیر گردیده، باعث بروز مباحث جدیدی در حوزه فقه و حقوق شده است. فقه امامیه با برخورداری از اصل «اجتهاد»، توانایی رویارویی با مسائل نوپیدا و ارائه بهترین راه حل ها را داراست. تلقیح مصنوعی نیز یکی از مسائل مستحدثه است که پیشرفت دانش پزشکی آن را به عرصه فقه و حقوق کشانده و برای آن موضوع سازی کرده است. از آن جا که قوانین و مقررات حقوقی ما، بر اساس اصل چهارم قانون اساسی ریشه در احکام اسلام دارد، بنابراین مجالس قانون گذاری نمی توانند بدون بهره مندی از آراء فقها، قانون گذاری کنند. اسلام دینی جامع و مانع است. «لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین» هیچ ترو خشکی در جهان نیست جز آنکه در کتاب مبین است (سوره انعام، آیه ۵۹). خصوصاً مذهب جعفری که مدعی پاسخگویی به مقتضیات زمان می باشد، پس شانه خالی کردن از زیر بار مسائل نوینی که دستاورد علم روز است نمی تواند با احکام همه جانبه اسلام و شأن و عظمت فقیهان و حقوقدانان سازگار باشد. به تعبیر دکتر کاتوزیان «مسئله مهم این است که پیوند خارجی بایستی بر تنه کهن بومی رشد کند و از همان ریشه و منابع تغذیه شود. ورود صنایع و فنون دشواری های خاص خود را مطرح می سازد و خواه ناخواه قواعدی به همراه می آورد، پس روشن بینی در آن است که قواعد تازه با تاریخ خود شناخته شود و در استخدام در آید و در بدن نظام حقوقی بر جای خود نشاندن شود (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۲۵).

کلیه احکام فقهی بر اساس مصلحت و مفسده استوار است و خداوند در تشریح آنها ثمره افعال مکلفین را ملاک قرار می دهد و اگر نفعی در آن برای انسان ها باشد مباح و در صورت ضرر، نهی می کند. نفع و زیان گاهی ناظر به افراد است و گاهی ناظر به جامعه؛

مثلاً اگر در مجازات کیفری حکمی اجرا می‌شود، گرچه به فرد زیان می‌رسد اما موجب مصونیت کل جامعه می‌گردد (شبللی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۸۳). اسلام دینی است که طرفدار علم و تخصص است و به نظر می‌رسد مراجعه به روش‌های تلقیح مصنوعی از نظر اسلام نمی‌تواند غیرمشروع باشد (قانونی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۳۲).

۲.۲. نمونه‌های باروری غیرطبیعی در فقه و حقوق اسلامی

تولیدمثل با استفاده از اسپرم یا تخمک یا جنین بیگانه (غیرزوجین)، هرچند جزء مسائل مستحدثه به‌شمار می‌آید اما در زمان‌های قدیم موارد مشابهی بین مردم اتفاق می‌افتاده است. عنوان «تلقیح مصنوعی» را به‌صورت مستقیم در متون و منابع اسلامی و در اخبار و احادیث صدر اسلام نمی‌توان یافت تا به‌صورت منصوص، مستندی در تأیید یا رد آن ارائه کرد. البته اصطلاح تلقیح مصنوعی در بین فقهاء متقدم رایج نبوده اما می‌توان مصادیق و احکامی را یافت که با تلقیح مصنوعی مشابهت دارد، از جمله احادیثی که مربوط به مساحقه و آثار آن است. نقل شده است که از امام حسن (ع) سؤال شد که مردی با زن خود جماع نموده و زن در همان حالت با دختره با کره‌ای مساحقه نموده و دختر حامله گردیده حال تکلیف چیست؟ ایشان فرمودند مهر دختر باکره را از زن باید گرفت و به دختر داد زیرا طفل حاصل از این مساحقه از رحم دختر خارج نخواهد شد مگر با ازاله بکارت ولی سپس زن را چون محصنه بوده باید رجم کرد و پس از آنکه طفل متولد گردید باید این طفل به صاحب نطفه تحویل و دختر را باید تازیانه زد (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۴۱، ص ۳۹۶) در زمینه طفل ناشی از تفخیز که شباهت زیادی با تلقیح مصنوعی دارد آمده است که به فرد تعلق می‌یابد (صمدی اهری، ۱۳۸۲ش، ص ۲۰-۲۱). همچنین اصطلاح استدخال المنی می‌تواند در ردیف تلقیح مصنوعی قرار بگیرد که احکام متعددی بر آن مترتب است.

در ذیل، صورت‌های گوناگون تلقیح مصنوعی بیان شده و از منظر فقه و حقوق اسلامی بررسی می‌شود:

۳.۲. تلقیح با اسپرم شوهر

گاهی اتفاق می‌افتد، با وجود اینکه نطفه شوهر قدرت بارور نمودن زن را دارد ولی به‌دلایلی نظیر انزال سریع، عنن یا بعضی از اختلالات جسمی مرد و همچنین عیوب موجود در ساختمان مهبل، حامله شدن در حالت طبیعی و از مجرای عادی امکان‌پذیر نیست و در این صورت به کمک وسایل و دانش پزشکی اسپرو ماتوزوئید مرد گرفته و در رحم همسر تزریق می‌شود. از آراء فقهاء استنباط می‌شود که قریب به اتفاق آنها معتقد به جواز هستند و فقط اجتناب از مقدمات حرام را لازم دانسته‌اند. برای نمونه، آیات عظام بروجردی، میلانی، و گلپایگانی از فقهای شیعه و شیخ احمد الحجی و بن باز از فقهای اهل سنت قائل به جواز تلقیح مصنوعی اسپرم و تخمک زوجین هستند (امامی، ۱۳۴۹، ص ۳۶۱-۳۶۲). از نظر وضعی نیز کودک متولدشده با کودکان بارور طبیعی تفاوتی ندارد. امام خمینی این مطلب را این‌گونه بیان نموده‌اند «لا اشکال فی ان تلقیح ماء الرجل بزوجه جائز و ان وجب الاحتراز عن حصول مقدمات محرمة ککون الملقح اجنبیا او التلقیح مستلزما للنظر الی ما لا یجوز النظر الیه» آغشته کردن منی مرد به زن اشکال ندارد و در صورت احتیاط، از وقوع مقدمات حرام بپرهیزد؛ مانند بیگانه بودن تلقیح‌کننده یا نگاه به موارد غیرجایز. (امام خمینی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۵۵۹)

در قانون مدنی ایران همانند بسیاری از کشورهای دیگر دنیا، نص خاصی درباره تلقیح مصنوعی نیست ولی با توجه به اینکه این قسم از تلقیح مصنوعی حرمتی ندارد و از طرف دیگر با عنایت به اصول کلی حقوقی مانند، اصله الاباحه، اصل برائت شرعی و عقلی و عدم منع قانونی، لقاح مصنوعی با اسپرم شوهر در حقوق ایران جایز است.

۴.۲. تلقیح اسپرم زوج پس از مرگ یا طلاق به رحم همسرش

با توجه به پیشرفت‌های علمی در زمینه ذخیره‌سازی اسپرم انسانی با استفاده از روش انجماد، این امکان فراهم شده که یک زن که شوهر خود را بر اثر مرگ یا طلاق از دست داده است، با اسپرم ذخیره‌شده شوهر سابقش از طریق تلقیح مصنوعی بارور شود (نایب

زاده، ۱۳۸۰، ص ۴۴۹) آیا تلقیح آن به همسر سابقش جایز خواهد بود؟ به عبارت دیگر انتقال نطفه زوج پس از مرگ یا طلاق، به رحم زوجه چه حکمی دارد؟

۱.۴.۲. تلقیح اسپرم زوج پس از مرگ

در واقع سؤالی که مطرح است این است که آیا بعد از مرگ زوجیت وجود دارد یا نه؟ زوجیت دو اثر دارد:

- آثاری که فقط در حیات همسر وجود دارد، مانند حرمت ازدواج با خواهر همسرش؛
- آثاری که بعد از مرگ همسر نیز وجود دارد، مانند لمس و نگاه؛ چنان که امام صادق (ع) فرمود: مرد یا زن می‌توانند همسر فوت شده را غسل دهند.

فقها درباره جواز یا عدم جواز تلقیح اسپرم زوج پس از مرگ، دو دسته شده‌اند:

الف) برخی فقها می‌فرمایند معیار زوجیت عرفی تنها در زمان حیات وجود دارد و بعد از فوت از بین می‌رود (خویی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۴۲). طبق این نظر بعد از مرگ شوهر، زوجیت از بین می‌رود و تنها برای غسل دادن اجازه نگاه و لمس داده شده است. بنابراین استفاده از اسپرم مردی که فوت شده، به همسر خودش جایز نیست.

ب) با توجه به ادله‌ای که در جواز لقاح اسپرم مرد به همسرش در زمان حیات آورده شد، می‌توان گفت که انجام عمل فوق (انتقال نطفه زوج پس از مرگ به رحم زوجه) تا قبل از انقضاء عده وفات، بلامانع است. در فتاوی برخی از مراجع همین عقیده منعکس است. برای مثال:

- آیت‌الله فاضل لنکرانی: در تاریخ ۱۳۷۴/۱/۱ زن و شوهری بچه‌دار نمی‌شدند. برای انجام تلقیح مصنوعی به بیمارستان مراجعه و در تاریخ ۱۳۷۴/۱/۲ مرد در تصادف فوت کرده و در تاریخ ۱۳۷۴/۱/۳ تلقیح صورت گرفته و پس از نه ماه بچه به دنیا آمده است. با توجه به مثال، تلقیح مصنوعی اگر از نطفه همسر شرعی گرفته شود و مستلزم امر محرمی نباشد مانعی ندارد و فرزند ملحق به مادر است و تمام احکام مادر و فرزندی مترتب می‌شود.

- آیت‌الله صانعی: از نظر علمی هرگاه مردی فوت نماید تا مدت محدودی می‌توان نطفه را به رحم زوجه‌اش منتقل کرد و وی را بارور نمود. انتقال نطفه زوج پس از مرگ به رحم زوجه چه حکمی دارد؟ مانعی ندارد چون زوجیت قبل از انقضای عده وفات باقی است.

۲.۴.۲. تلقیح اسپرم زوج پس از طلاق

آیا تلقیح اسپرم به همسر طلاق داده جایز است؟

بحث در دو نوع طلاق مطرح می‌شود: طلاق بائن و طلاق رجعی

در طلاق بائن، چون بین زن و شوهر جدایی افتاده است، آنان نسبت به یکدیگر نامحرم می‌شوند. در نتیجه، تلقیح جایز نیست. در طلاق رجعی، شوهر می‌تواند در مدت عده (سه ماه) به همسر خود رجوع کند، در نتیجه زن و شوهر خواهند بود و تلقیح صحیح است. امام صادق (ع) نسبت به زنی که در مدت عده طلاق رجعی بود، فرمودند «هی امراته» او همسر تو است. بنابراین، چون در مدت عده طلاق رجعی نگاه، لمس، و آمیزش جنسی بین زن و مرد جایز است، تلقیح نیز جایز خواهد بود.

۵.۲. تلقیح با اسپرم غیرشوهر (مرد اجنبی)

در این روش اسپرم از مرد گرفته می‌شود و در تخمکی که در رحم زن بیگانه و به سبب تحریک مصنوعی آن ایجاد شده، تلقیح می‌گردد. در این مسئله ممکن است زن، شوهردار باشد یا بی‌شوهر یا اینکه مرد معلوم باشد یا مجهول. تلقیح مصنوعی با نطفه غیرشوهر، مطلقاً جایز نیست و برای حفظ و انسجام خانواده، طلب فرزند تنها از طریق ازدواج مورد نظر تام و تمام شارع مقدس است. همچنین اگر راههای دیگر فرزندآوری (مانند تلقیح با اسپرم غیرشوهر) مجاز شود، رغبت به پیمان مقدس ازدواج کم رنگ می‌شود. اصالة الاباحه شامل تلقیح با اسپرم غیرشوهر نمی‌شود؛ زیرا جواز آن، موجب نقض اغراض شارع مقدس خواهد بود.

بنابراین، از زمانی که مسئله تلقیح مصنوعی انسان مورد تامل و تفحص قرار گرفته است تا به امروز، عموم فقها معتقد به عدم جواز و حرمت لقاح مصنوعی با نطفه اجنبی هستند. برای مثال، بعضی از نظرات فقها در حرمت تلقیح با اسپرم غیرشوهر آورده می‌شود: (الف) آیت‌الله بروجردی: آنچه از مفاهیم ادله مستفاد می‌شود این است که تلقیح مصنوعی منی مرد اجنبی به غیرزوجه جایز نیست؛ چه با شوهر باشد چه بی‌شوهر (امامی، ۱۳۴۹، ص ۳۶۷).

(ب) امام خمینی: لقاح با نطفه غیرشوهر جایز نیست، خواه زن شوهردار باشد یا نه، خواه شوهر و زن به این امر راضی باشند یا نباشند و خواه زن از محارم صاحب نطفه مثل مادر و خواهرش باشد یا نباشد (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۵۹). (پ) آیت‌الله مکارم شیرازی: جایز نیست نطفه مرد بیگانه را در رحم زنی وارد کنند، خواه با اجازه آن زن باشد یا نه و خواه شوهر داشته باشد یا نه یا شوهرش اجازه بدهد یا نه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، مسئله ۲۴۴۳).

۶.۲. تلقیح تخمک در رحم زن نازا

این قسم دو صورت دارد: الف) در صورت اول، اسپرم با تخمک زن اجنبی ترکیب می‌شود (ب) در صورت دوم، اسپرم، با تخمک زن اجنبی ترکیب نمی‌شود بلکه تخمک زن اجنبی، صرفاً تقویت‌کننده تخمک زوجه است:

صورت اول: تخمک زنی با هدایت سونوگرافی یا روش‌های دیگر از تخمدان برداشته می‌شود و در رحم زنی که نازا است تزریق می‌شود. آن‌گاه شوهر این زن با او آمیزش می‌کند و در نتیجه زن نازا باردار می‌شود. در این مسئله منی مرد اجنبی در رحم زن قرار نمی‌گیرد بلکه صرفاً با تخمک زن نامحرم ترکیب می‌گردد. فرض مسئله بر این است که در بستن نطفه از رحم زن اجنبی استفاده نشده است. اصولاً در این بحث اصل برائت جاری است. در مقابل، بعضی از فقها این مورد را حرام دانسته‌اند: « بیرون آوردن تخمک از مهبل این زن و گذراندن آن در مهبل زنی که آمیزش این مرد با او جائز است هیچ تأثیری در رفع حرمت ندارد (مؤمن قمی، ۱۳۷۴، ص ۶۱۶۰).

صورت دوم: صورت دیگر این مسئله، تقویت تخمک زن نابارور با تخمک زنی دیگر برای تقویت است. در برخی از استفتائات به عمل آمده از فقها به مسئله تقویت تخمک اشاره شده است. به اینکه در بعضی موارد تخمک زنی ضعیف است و برای باروری باید با تخمک زن دیگری تقویت شود تا بچه‌دار شود. آیا تلقیح تخمک زن اجنبی به زن دیگری برای تقویت جایز است یا خیر؟ و اگر بعد از تلقیح، زن بچه‌دار شود، بچه متولدشده، از نظر ژنتیکی و وراثتی به کدام یک از این دو زن ملحق می‌شود؟ در جواب، گفته شده بچه متعلق به زنی است که صاحب رحم و نطفه ضعیف بوده و نمی‌توان او را متعلق به صاحب تخمک تقویت‌کننده دانست؛ چون تخمک او عرفاً در حکم داروی تقویتی می‌باشد (صانعی، ۱۳۷۷، ص ۶۳). اینکه اصولاً معتقد باشیم که تخمک زن اجنبی عرفاً در حکم داروی تقویت‌کننده باشد، حال اگر بعد از تلقیح، زن بچه دار شد بدون شک باید بچه را متعلق به زن بیگانه بدانیم، زیرا آنچه را که یقین داریم این است که تخمک همسر مرد ضعیف است و نمی‌تواند با اسپرم ترکیب گردد.

۷.۲. لقاح خارج از رحم و پرورش جنین در خارج از رحم (رحم مصنوعی)

در این روش از تلقیح مصنوعی، بعد از انعقاد نطفه در خارج از رحم با پیشرفت‌هایی که صورت گرفته است نطفه را در مکان‌های مخصوص و با مراقبت ویژه و به اصطلاح در رحم مصنوعی پرورش می‌دهند تا زمانی که به صورت یک انسان درآید. بنابراین در این روش، رحم طبیعی (رحم زن) دخالتی در پرورش طفل ندارد بلکه از زمان بسته شدن نطفه تا هنگام کامل شدن رشد جنین، این مراحل در خارج از رحم صورت می‌پذیرد. رحم مصنوعی دو صورت دارد:

۱.۷.۲. انعقاد نطفه به وسیله اسپرم مرد و تخمک زن اجنبی

در روش باروری و پرورش نوزاد به وسیله رحم مصنوعی تنها از یک جهت می‌توان در مسئله تشکیک نمود و آن عبارت است از اصل انعقاد نطفه. در این قسم، بحث در این است که انعقاد نطفه در خارج از رحم به وسیله اسپرم و تخمک دو نفر اجنبی جایز است یا خیر؟ روایات در این باب که به قرار گرفتن نطفه در رحم حرام اشاره دارند، مختص به رحم طبیعی نیستند و ذکر رحم طبیعی از

باب تغلیب است و در نتیجه تشکیل و انعقاد نطفه از امتزاج اسپرم و تخمک مرد و زنی که رابطه زوجیت بین آنها وجود ندارد جایز نمی‌باشد؛ چه رحم طبیعی و چه رحم مصنوعی. از این رو انعقاد این ترکیب هرچند که ادامه مراحل رشد جنین در خارج از رحم نیز صورت بگیرد ممنوع است. البته تا آنجایی که بررسی شده، هیچ یک از فقها در زمینه ممنوعیت این صورت لقاح مصنوعی، نظری نداده‌اند و با توجه به استنباط از محتوای آیات، این عقیده می‌تواند مطرح باشد (مؤمن قمی، ۱۳۷۴، ص ۷۶-۷۹).

۲.۷.۲. انعقاد نطفه به وسیله اسپرم و تخمک زوج و زوجه

مطابق آیات و روایات و نظرات فقهای استنباط شده از ادله شرعی، این لقاح جایز است و هیچ دلیلی دال بر حرمت آن وجود ندارد و از جهت پرورش در رحم مصنوعی نیز اشکالی به نظر نمی‌رسد. بنابراین، با توجه به اصل براءت شرعی و عقلی و اصاله الاباحه منعی برای انجام این عمل دیده نمی‌شود. بدون شک کلیه نظرانی که علما در زمینه جواز تلقیح با رحم طبیعی ابراز داشته‌اند، در این روش باروری (رحم مصنوعی) نیز صادق خواهد بود.

۸.۲. انعقاد نطفه مرکب از اسپرم گیاهی، حیوانی یا ترکیب این مواد با عنصر گرفته شده از انسان

تفاوت اساسی این فرض با فروض قبلی در این است که به فرض موفق شدن بشر به تولید انسان از چنین روش‌هایی تخمک و اسپرم انسان یا هیچ دخالتی در انعقاد نطفه ندارند یا اینکه تنها یک جزء نطفه از انسان گرفته می‌شود. اگر رحم انسان در بسته شدن نطفه و پرورش جنین دخالتی نداشته باشد، قول قوی‌تر این است که قائل به جواز باشیم. بنابراین، مسئله دو صورت دارد:

صورت اول: انعقاد نطفه مرکب از اسپرم گیاهی، حیوانی یا عنصر گرفته شده از انسان

آبستنی مصنوعی ممکن است در آینده به صورت‌های مختلف تحقق یابد:

الف) نطفه را که منشأ نوزاد است از دانه‌ها و محصولات نباتی و مانند آن بگیرند و به زن تلقیح کنند و نوزاد مصنوعی به عمل آورند. بدیهی است که در این صورت کودک تنها به مادرش ملحق می‌شود.

ب) اسپرم مرد را بگیرند و در دستگاه تولید نوزاد پرورش دهند، مانند پرورش تخم مرغ در این صورت نوزاد تنها به مرد ملحق می‌شود (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۵۹).

صورت دوم: انعقاد نطفه مرکب از اسپرم گیاهی و حیوانی

چنانچه نطفه و اسپرم را از فراورده‌های نباتی تهیه کنند و آن را در رحم مصنوعی با تخمک مصنوعی پرورش دهند و از آن کودکی به عمل آورند اگر فرض شود که بشر به چنین تولیدی موفق گردد مانعی ندارد و ظاهراً جایز است و نوزاد به کسی ملحق نمی‌شود و فاقد پدر و مادر خواهد بود (صانعی، ۱۳۷۷، ص ۶۱-۶۲).

۹.۲. احکام وضعی کودکان متولد شده با باروری مصنوعی

حکم وضعی (نسب، توارث، حضانت، ...) مسئله درمان ناباروری مصنوعی و کودکان متولد شده با باروری مصنوعی ابعاد مختلف و متنوعی دارد.

احکام وضعی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) احکامی که به رابطه طبیعی بین دو انسان (فرزند و پدر و مادر) مربوط می‌شوند، مانند نسب و توارث و به تنظیم این گونه از روابط می‌پردازد.

ب) احکامی که ناظر به استیفای حقوق معنوی و مادی کودکان، مانند حضانت، ولایت، و نفقه.

تمایز اصلی بین این دو دسته، این است که گروه اول به موارد طبیعی و غیرقابل جایگزین و وابسته پرداخته است یعنی نسب کودک از نظر پدری یا مادری یا ثابت می‌شود یا نه. در صورت اثبات آثار حقیقی و احکام اولاد بر آن مترتب خواهد بود. از جمله توارث بین کودک و پدر و مادر که آثار حقوقی دارد.

ولی گروه دوم راه‌های فقهی و حقوقی پیش‌بینی‌شده در شریعت اسلام برای استیفای حقوق کودکان در مراحل مختلف زندگی و حتی دوران بارداری است. با بررسی احکام فقهی ملاحظه می‌شود هرچا به عللی مانعی در احقاق حقوق کودک پدید آید، جایگزین مناسب آن پیش‌بینی شده است مثلاً اگر پدر و مادر یا هر دو از نظر اخلاقی شایستگی حضانت و ولایت کودک را نداشته باشند، قانون این مسئولیت را به سایر خویشان محول می‌کند.

از نظر نگارنده، در بحث از باروری مصنوعی، احکام وضعی تابع احکام تکلیفی است. به این صورت که در هر مورد و نمونه‌ای که باروری غیرطبیعی جایز و حلال باشد، احکام وضعی ثابت می‌شود و در صورت حرام و جایز نبودن باروری غیرطبیعی، احکام وضعی ثابت نیست.

۱.۹.۲. ارث کودکان ناشی از تلقیح مصنوعی از منظر فقهی و حقوقی

هنگام تلقیح مصنوعی اگر پدر زنده باشد، هیچ شکی نیست که فرزند متولدشده از باروری غیرطبیعی از پدر خویش ارث می‌برد. اما هرگاه انتقال اسپرم پدر به رحم مادر مدت‌ها پس از فوت پدر صورت گیرد، این سؤال مطرح می‌شود که فرزند متولد از این تلقیح، از پدر متوفی خود ارث می‌برد یا خیر؟ (حاجی عزیزی و قفقازی‌الاصل، ۱۳۹۳، ص ۱۲۱)

مطابق ماده ۸۷۵ قانون مدنی، دو شرط برای ارث بردن حمل از پدر و مادر لازم است: انعقاد نطفه حمل در زمان مرگ و زنده متولد شدن اگرچه فوراً پس از تولد بمیرد و در صورت انتفاء هر یک از دو شرط بالا، حمل از مورث خود ارث نمی‌برد. در مورد تلقیح مصنوعی هم اگر اسپرم شوهر قبل از فوت با تخمک زن ترکیب و نطفه تشکیل شود و زنده هم متولد گردد، همچون فرزند حاصل از نزدیکی طبیعی ارث می‌برد؛ ولی اگر بعد از فوت شوهر نطفه تشکیل شود، در این صورت فرزند حاصل از لقاح مصنوعی از پدر خود ارث نخواهد برد.

ماده ۸۷۵ قانون مدنی برگرفته از نظرات فقیهان شیعه است، ولی در فقه شیعه فقها در این خصوص اختلاف نظر است. به طور خلاصه نظر برخی از فقها را که با ماده ۸۷۵ (انعقاد نطفه حمل در زمان مرگ و زنده متولد شدن) منافات دارد، بررسی می‌کنیم: گروهی از فقیهان صرفاً به شرط زنده به دنیا آمدن حمل توجه کرده‌اند و به انعقاد نطفه در زمان فوت مورث یا عدم انعقاد نطفه نپرداخته‌اند. گویی به باور آنان زنده به دنیا آمدن حمل برای ارث بردن کافی است (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ص ۵۱۰). این دسته صرفاً به موجود و زنده بودن حمل اشاره کرده‌اند و از انعقاد نطفه یا استقرار حمل سخنی به میان نیاورده‌اند. فخرالمحققین حلی صرفاً زنده به دنیا آمدن حمل را شرط ارث‌بری می‌داند و از نظر ایشان انعقاد نطفه شرط ارث بردن به‌شمار نمی‌آید، بلکه چنانچه اماره فراش فرزند را ملحق به متوفی بداند کافی است (حلی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۲۶۷). صاحب جواهر نیز علی‌رغم پرداختن به صورت‌ها و حالات مختلف ارث بردن حمل، از انعقاد نطفه سخنی به میان نیاورده است. بنابر تصریح صاحب جواهر، «به هر روی زنده بودن کودک در هنگام مرگ مورث شرط ارث‌بری نیست، بلکه اگر حمل کم‌تر از شش ماه از زمان مرگ مورث خود نیز به دنیا بیاید و بلافاصله پس از تولد بمیرد نیز ارث می‌برد. نیز در صورتی که در زمان مرگ مورث به صورت نطفه یا علقه باشد، از مورث ارث می‌برد و بالاخره در صورتی که نه ماه پس از مرگ مورث به دنیا آید و مادر نیز با مردی دیگری ازدواج نکرده باشد از مورث ارث می‌برد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۹، ص ۳۰۲).

برخی از فقیهان معاصر همانند آیت‌الله بهجت معتقدند، فرزند متولدشده در اثر تلقیح، پس از مرگ پدر از پدر متوفی خود ارث می‌برد و آیت‌الله فاضل لنکرانی علی‌رغم دشوار دانستن ارث بردن، مصالحه کودک با دیگر ورثه را بهتر دانسته است (مصلحی عراقی، ۱۳۸۶، ص ۲۹-۳۱؛ صادقی مقدم، ۱۳۹۲، ص ۶۶-۸۲).

بحث و نتیجه‌گیری

تلقیح مصنوعی شامل انواع و روش‌هایی است که در تمام آن مایع منی یا اسپرم، بعد از آمادگی یا پرورده شدن بدون نزدیکی جنسی، با تخمک ترکیب می‌شود. پیشرفت‌های علمی امروزه سبب شده که بسته شدن نطفه انسان از غیر راه شناخته‌شده (آمیزش)

امکان پذیر گردد، اما درباره گونه های آستن کردن و حکم شرعی آنها هنوز وفاق معینی بین فقها و حقوقدانان دیده نمی شود. تلقیح مصنوعی فواید و برکات زیادی دارد؛ سبب ازدیاد نسل شده و کانون خانواده را انسجام می بخشد. برای بهره مندی بیشتر از این پدیده نوظهور لازم است، ابعاد مختلف آن تبیین و بررسی شود. در مقاله حاضر بُعد فقهی حقوقی تلقیح مصنوعی، تا حدی، تحلیل و بررسی شد و احکام تکلیفی و وضعی متناسب با هر کدام بیان شد. شایسته است که مسئولان از دستاوردهای پژوهشی استفاده کرده و با آگاهی سازی و برنامه ریزی دقیق و حساب شده، از ظرفیت های کشور، استفاده حداکثری داشته باشند.

منابع

قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مكرم، ۴۱۶ق، لسان العرب، جلد ۲، بيروت: دار احیاء التراث العربی، چ اول.
- امامی، اسدالله، ۱۳۴۹، مطالعه تطبیقی نسب در حقوق ایران و فرانسه، تهران: مؤسسه حقوق تطبیقی، چ اول.
- امامی، سیدحسین، ۱۳۷۲، حقوق مدنی، ج ۳، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة، چ هشتم.
- انوری، حسن، ۱۳۸۲ش، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: نشر سخن، چ دوم.
- پوراسماعیلی، علی رضا و قندی، صدیقه و پژوهان، اکبر، ۱۳۹۴، بررسی ارث جنین آزمایشگاهی، مجله فقه پزشکی، سال هفتم، شماره ۲۴ و ۲۵، ص ۱۳۳-۱۵۲.
- حاجی عزیزی، بیژن و قفقازی الاصل، شهرزاد، ۱۳۹۳، بررسی وضعیت ارث جنین ناشی از تلقیح مصنوعی پس از فوت صاحب اسپرم از منظر فقهی و حقوقی، مجله پژوهشی حقوق خصوصی، شماره ۸، ص ۱۲۱-۱۳۶.
- حرم پناهی، محسن، ۱۳۸۰، تلقیح مصنوعی: روش های نوین تولیدمثل از دیدگاه فقه و حقوق، مجموعه مقالات، انتشارات سمت، فصلنامه فقه اهل بیت ع، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، ص ۱۶۲-۱۶۵.
- حلی، محمد بن حسن یوسف، ۱۳۸۷، ج ۴، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، مصحح: سیدحسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی و عبدالرحیم بروجردی، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- [امام] خمینی، سیدروح الله، ۱۳۹۰ق، تحریر الوسیله، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خوبی، ابوالقاسم، ۱۴۱۰ق، منهاج الصالحین، قم: لطیفی.
- رضا نیا معلم، محمدرضا، ۱۳۸۹، باروری های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق، تهیه: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی پژوهشکده فقه و حقوق، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چ دوم.
- ریاضت، زینب، ۱۳۹۱، چالش های فقهی حقوقی و اخلاقی تلقیح مصنوعی و رویارویی با حق باروری زوجین نابارور، مجله حقوق پزشکی، سال ششم، شماره ۲۰، ص ۷۷-۱۱۴.
- شبلی، محمدمصطفی، ۱۴۰۶ق، اصول فقه اسلامی، بیروت، دارالنهضة العربیة.
- صادقی مقدم، محمدحسین، بهار ۱۳۹۲، نسب و ارث جنین آزمایشگاهی، مجله حقوق پزشکی، دوره ۷، شماره ۲۴، ص ۶۵-۸۲.
- صانعی، شیخ یوسف، ۱۳۷۷، استفتائات پزشکی، قم: انتشارات میثم تمار، چ اول.
- صمدی اهری، محمدهاشم، ۱۳۸۶، نسب ناشی از لقاح مصنوعی در ایران و اسلام، تهران: انتشارات گنج دانش.
- غانم، عمر بن محمد ابراهیم، ۱۴۲۱ق، احکام الجنین فی الفقه الاسلامی، جده: دارالاندلس الخضراء.
- فاضل هندی، محمد بن حسن، ۱۴۱۶ق، جلد ۹، کشف اللثام عن قواعد الاحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی
- فاضل لنکرانی، محمد، ۱۳۷۷، ج ۱، جامع المسائل، قم: انتشارات مطبوعات امیر، چ پنجم.
- عمید، حسن، ۱۳۳۲، فرهنگ عمید، ج ۱ و ۲، تهران: امیرکبیر.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۶، دوره مقدماتی حقوق مدنی، تهران: انتشارات دادگستر، چ اول.

- مصلحی عراقی، علی حسین، ۱۳۹۰، حقوق ارث، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چ ششم.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۵، رساله توضیح المسائل، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چ دوازدهم.
- مؤمن، محمد، ۱۳۷۴، سخنی درباره تلقیح، مترجم: موسی دانش (جعفرزاده)، مجله فقه اهل بیت، سال اول، شماره ۴، ص ۴۹-۷۶.
- نایب زاده، عباس، ۱۳۸۰، بررسی حقوقی روش های نوین باروری مصنوعی، تهران: انتشارات مجد، چ اول.
- نجفی، محمدحسن، ۱۴۰۴ق، جلد ۳۹، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، قم: جامعه مدرسین.